

## الگوی عوامل موثر بر رشد اخلاقی و تعیین وضعیت آنها در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

زهرا امینی<sup>۱</sup>، فریبا حنیفی<sup>۲\*</sup>

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

### چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش بررسی الگوی عوامل موثر بر رشد اخلاقی و تعیین وضعیت آنها در دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود.

**روش‌شناسی:** این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه پژوهش در بخش کیفی خبرگان رشد اخلاقی بودند که با توجه به اصل اشباع نظری تعداد ۱۲ نفر از آنها با روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. جامعه پژوهش در بخش کمی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ بودند که طبق فرمول کوکران تعداد ۳۷۷ نفر آنها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌ها با روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری و با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی و آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS-21 تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** یافته‌های بخش کیفی نشان داد که عوامل موثر بر رشد اخلاقی دارای ۸۸ مفهوم، ۲۰ عامل و ۶ مقوله بود که مقوله‌ها و عامل‌ها شامل محیط زندگی و نحوه تربیت (با سه عامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی و نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی)، استدلال‌های اخلاقی (با سه عامل استدلال‌های شناختی، استدلال‌های عاطفی و استدلال‌های روانی- حرکتی)، فضای حمایتی (با سه عامل برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها و توجه به مسائل معنوی)، آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی (با چهار عامل آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی و آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی)، ایجاد شناخت (با سه عامل مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و الگوپذیری) و فضائل اخلاقی (با چهار عامل نوع‌دوستی، کرامت انسانی، قانون‌مداری و توان تصمیم‌گیری) بودند. یافته‌های بخش کمی نشان داد که بین میانگین همه عوامل با میانگین جامعه تفاوت معناداری وجود داشت ( $P < 0.05$ ).

**بحث و نتیجه‌گیری:** با توجه به نتایج پژوهش حاضر برنامه‌ریزی برای بهبود رشد اخلاقی دانش‌آموزان ضروری است. بنابراین، متخصصان و برنامه‌ریزان حوزه تعلیم و تربیت می‌توانند با توجه به مقوله‌ها و عامل‌های این پژوهش برنامه‌هایی جهت بهبود رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی طراحی و اجرا کنند.

**واژگان کلیدی:** رشد اخلاقی، دانش‌آموزان، نوع‌دوستی

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. zahraamini1320@gmail.com  
۲. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول) f.hanifi95@gmail.com

## مقدمه

اخلاق یکی از ضروری‌ترین نیازهای انسانی امروزی در جهت دستیابی به سعادت محسوب می‌شود (Nieuwazny, Nowakowski, Ptaszynski, Masui, Rzepka & Araki, 2021) و دانش‌آموزان هر جامعه در آینده‌ای نزدیک مسئولیت اداره و مدیریت کشور را برعهده می‌گیرند. پس، آینده‌سازان جامعه هستند و بخش عمده بودجه و برنامه‌ریزی هر کشور را به خود اختصاص داده و رشد اخلاقی آنها نقش موثری در کسب موفقیت‌ها و عملکردهای آتی جامعه آنان دارد (Garrigan, Adlam & Langdon, 2018). رشد اخلاقی به تغییراتی گفته می‌شود که با افزایش سن در مبانی شناختی، هیجانی و رفتاری و ارزش‌های حاکم بر رفتار انسان پدید می‌آید و کلیه رفتارها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. در تعریفی دیگر، رشد اخلاقی به معنای اعمال و رفتار متناسب با آداب و رسوم جامعه است که از طریق تشخیص معیارهای درست و نادرست به تدریج کسب و بر رفتار افراد تاثیر می‌گذارد (Dahl, 2019). هدف نهایی از رشد اخلاقی همان بهبود توانایی شناخت ارزش‌های اخلاقی و التزام درونی به آن و برخورداری از عواطف و احساسات اخلاقی در دو بعد درون‌فردی (رعایت ارزش‌های اخلاقی هنگام ارتباط با خود یا هنگام تنهایی) و میان‌فردی (رعایت ارزش‌های اخلاقی هنگام ارتباط با دیگران) است (Krettenauer, 2017). نظریه‌های رشد اخلاقی در مطالعه و پژوهش بر روی اخلاق بر این مساله متمرکز هستند که چگونه منش‌ها و رفتارهای خوب و بد اخلاقی یادگرفته می‌شوند و چطور تداوم و تکامل می‌یابند (Zhiyenbayeva, Abdrakhmanova, Abdrakhmanova, Tapalova, Samal & Elmira, 2014). کلبرگ رشد اخلاقی افراد را بر اساس استدلال‌های اخلاقی بررسی کرد و بیان نمود که از سه طریق شامل مواجهه دانش‌آموزان با استدلال‌های سطح بالاتر، مواجهه آنان با تناقض‌ها و چالش‌های اخلاقی و ایجاد جوی از مبادله اطلاعات در صورتی که دو شرط بالا ترکیب و نظرهای اخلاقی با هم مقایسه شوند، می‌توان بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر گذاشت (Perales, 2019).

خانواده مهم‌ترین و موثرترین نهاد اجتماعی موثر بر ویژگی‌های اخلاقی و حتی سایر ویژگی‌های شناختی و شخصیتی است که به شیوه‌های متفاوت مانند الگودهی به کودک یاد می‌دهد که چگونه رفتار کند (Roche & Thoma, 2017). نهاد اجتماعی موثر دیگر بر رشد اخلاق کودکان، جامعه است و این نهاد برای مثال از طریق رسانه‌ها نقش به‌سزایی بر شکل‌گیری و تغییر باورها و رفتارهای اخلاقی می‌گذارد (Place, 2019). علاوه بر آن، آموزش و پرورش می‌تواند از طریق رشد مهارت‌های پرورشی به آموزش منش‌ها و رفتارهای اخلاقی کمک کند. برای مثال در کلاس ایجاد جو آزاد مباحثه درباره ویژگی‌ها و رفتارهای اخلاقی، توجه به عقاید و باورهای متفاوت دانش‌آموزان، بیان معیارهای اخلاقی برای افکار و رفتارهای متفاوت، کمک به حل مسائل اخلاقی و جمع‌بندی آنان درباره مباحث اخلاقی می‌توانند نقش موثری در رشد اخلاقی داشته باشند، در مقابل نصیحت کردن، عدم توجه به عقاید و باورهای متفاوت، ناتوانی دانش‌آموزان در حل مسائل اخلاقی و تنبیه دانش‌آموزان برای باورها و رفتارهای اخلاقی زمینه را برای رشد نامناسب اخلاق فراهم می‌کند (Boardley, Smith, Mills, Grix, Wynne & Wilkins, 2018).

با اینکه پژوهش‌هایی درباره عوامل موثر بر رشد اخلاق انجام شده، اما چگونگی وضعیت آنها کمتر بررسی شده است. برای مثال نتایج پژوهش Souza, Kotian, Pandey, Rao & Kalthur (2020) نشان داد که دانش‌آموزان مضامین قدردانی، شکرگزاری، همدلی و نوع‌دوستی را از طریق الگوبرداری از معلمان به‌عنوان ارزش‌های رشد اخلاقی یاد می‌گیرند. Hoffmann (2018) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسید که رشد اخلاقی نوجوانان بزهکار و نرمال متفاوت است و نوجوانان بزهکار از نظر درک مفاهیم اخلاقی در جایگاه پایین‌تری قرار دارند. در پژوهشی دیگر Thapa, Cohen, Guffey & Higgins (2013) گزارش کردند که مدرسه و محیط آموزشی نقش موثری در رشد و ارتقای اخلاق اجتماعی دانش‌آموزان داشت. علاوه بر آن، نتایج پژوهش Abbaszadeh, Ranjdoost & Azimi (2020) درباره مولفه‌های رشد اخلاقی برای دانش‌آموزان نشان داد که از میان ۳۸۸ مفهوم رشد اخلاقی تعداد ۷ مولفه اصلی و ۱۴ مولفه فرعی شناسایی شد که شامل بازشناسی امور خوب از بد و کشاندن به سوی ارزش‌ها (مثل انتخاب و تصمیم‌گیری و بایدها و نبایدها)، استدلال‌گرایی و قضاوت درست (مثل رسیدن به بینش و ایجاد درک درست)، شکفتن قابلیت‌ها (مثل تعالی وجود)، اصول عام و فراگیر (مثل اصول اخلاق قراردادی)، خودسازی و خودباوری (مثل شهودگرایی)، حکمت عملی (مثل رفتارهای انسانی) و

قانون‌مداری (مثل توجه به قوانین و مقررات) بودند. Firoozmehr (2020) ضمن پژوهشی درباره عوامل موثر بر رشد اخلاقی به این نتیجه رسید که این عوامل به دو بخش معرفتی و غیرمعرفتی تقسیم می‌شوند؛ به طوری که بخش معرفتی شامل شناخت فطری فضائل و رذائل (عامل غیراکتسابی) و توجه، تفکر و ایمان (عامل اکتسابی) و بخش غیرمعرفتی شامل وراثت، تغذیه، عوامل محیطی، مبادی غیبی، اراده، اختیار و عمل صالح بود. در پژوهشی دیگر Bosliki (2019) عوامل رشد اخلاقی کودکان را شامل سبک‌های فرزندپروری، الگوپردازی، قصه‌گویی، واکنش‌های هیجانی به تخلفات، غمخواری، تلقین، گفت‌وگو درباره مسائل اخلاقی و ایجاد حریم خصوصی برای فرزندان معرفی کرد. Shahgholian Ghahfarkhi, Rumi, Salmani & Alvandi (2019) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که عوامل موثر بر ارتقای نقش تربیت دینی و اخلاقی شامل عوامل فردی (مسئولیت‌پذیری، وقت‌شناسی، نظم و انضباط معنوی و ظاهری، شجاعت و شهامت، صداقت و راستگویی، صبر و بردباری، تواضع و فروتنی، امانتداری و رازداری، عامل بودن در گفتار و رفتار، محبت و صمیمیت، عدالت و انصاف، حسن خلق و اخلاق نیک، روحیه معنوی و مراقبه فردی، وجدان کاری، وفاداری و تعهد، اعتمادبه‌نفس، حفظ کرامت متربیان، خصوصیات ذاتی و فطری، عفو و گذشت، همدردی و همدلی، ابتدا به سلام و گفتگو بودن، بصیرت، شور و نشاط، ولایت‌پذیری، تبعیت‌پذیری و ترویج ارزش‌های سازمانی) و سازمانی (هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری کلان دانشگاه، مدیریت خلاقانه مدیران، تقدیر، تشویق و تنبیه به موقع، برقراری عدالت بین کارکنان، شناسایی جایگاه و منزلت مربیان، تعیین جایگاه و منزلت شغلی، الگوسازی و الگودهی، برگزاری کلاس‌های اخلاق عملی، امر به معروف و نهی از منکر، انضباط محیطی، ترویج روحیه جهادی، انتقال تجارب مربیان و تأمین محتوای آموزشی به روز) بود. همچنین، نتایج پژوهش Asarehnejad, Firoozian & Ghaneh (2019) نشان داد که مولفه‌های موثر بر کاهش انتشار محتوای مجرمانه اخلاق عمومی شامل تربیت رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای، رشد اخلاق امر به معروف و نهی از منکر، تولید محتوای سالم و فنی، مجازات افراد خاطی، انتشار حکم افراد خاطی، فعال نمودن نیروهای مومن، تشکیلاتی نمودن نیروهای مومن، فیلترینگ و ایجاد مانع در مسیر جستجوهای منفی بودند که مولفه‌های رشد اخلاق امر به معروف و نهی از منکر و تربیت رسانه‌ای در رتبه‌های بالا و فیلترینگ و ایجاد مانع در مسیر جستجوهای منفی در رتبه‌های پایین قرار داشتند. Kalantri qazvini, Ghorchian, Arasteh & Mohammad Davoodi (2017) ضمن پژوهشی به این نتیجه رسیدند که برای اخلاق دانشجویی ۳۱ مولفه در قالب ۵ بعد شامل اخلاق دانشجویی، ملاحظات پژوهشی، صداقت پژوهشی، رفتار اجتماعی و رفتار فردی شناسایی شد. نتایج پژوهش Vojdani (2015) نشان داد که رشد اخلاقی دارای پنج مولفه اساسی است که خود شامل چهار مولفه رشد شخصی شامل معرفت، عواطف، ایمان و ملکات اخلاقی و یک مولفه زمینه‌ساز شامل جامعه صالح و الگوها اخلاقی می‌باشد. در پژوهشی دیگر Sheikhi (2011) گزارش کرد که عوامل موثر بر سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی از یک سو تحت تاثیر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی حاکم بر باورهای افراد و از سوی تحت تاثیر عوامل سه‌گانه ارزشی، درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بود.

از یک سو رشد اخلاقی مورد توجه ملت‌ها و دین‌های متفاوت بوده و این توجه نشان‌دهنده آن است که رشد اخلاقی در حیات مادی و معنوی انسان نقش مهمی دارد و بدون آن زندگی دنیوی یا اخروی با چالش‌های بسیاری مواجه خواهد شد و به سعادت نخواهد رسید. از سوی دیگر رشد اخلاقی یکی از جنبه‌های مهم رشد روانی-اجتماعی و حتی رشد شخصی است و در موقعیت‌های مختلف می‌تواند نقش موثری در رفتارهای انسان داشته باشد، لذا بررسی و پژوهش درباره آن و تلاش برای ارتقای آن اهمیت مضاعفی دارد. از آنجایی که یکی از دغدغه‌های اصلی خانواده، مدرسه و جامعه بهبود رفتارهای اخلاقی و تربیت نسلی اخلاقی است و پژوهش‌های اندکی درباره عوامل موثر بر رشد اخلاقی کودکان انجام شده و کمتر پژوهشی چگونگی وضعیت این عوامل را مشخص کرده است، لذا هدف این پژوهش بررسی الگوی عوامل موثر بر رشد اخلاقی و تعیین وضعیت آنها در دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود.

## روش‌شناسی

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا آمیخته (کیفی و کمی) بود. جامعه پژوهش در بخش کیفی خبرگان رشد اخلاقی بودند که با توجه به اصل اشباع نظری تعداد ۱۲ نفر از آنها با روش‌های نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی انتخاب شدند. جامعه پژوهش در بخش کمی دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۹-۱۳۹۸ (۲۳۵۹۳ نفر) بودند که طبق فرمول کوکران تعداد ۳۷۷ نفر آنها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری بخش کیفی به این صورت بود که پژوهشگران از میان خبرگان رشد اخلاقی بر اساس معیارهای مورد نظر از جمله تدریس در زمینه رشد اخلاقی، داشتن مقاله و کتاب در این زمینه و غیره تعدادی را انتخاب (نمونه‌گیری هدفمند) و از آنان خواسته شد تا خبرگان دیگری که در این زمینه می‌شناسند را به پژوهشگران معرفی نمایند (نمونه‌گیری گلوله برفی). روش نمونه‌گیری بخش کمی به این صورت بود که پژوهشگران ابتدا شهر تهران را به پنج بخش مرکزی، شمالی، شرقی، جنوبی و غربی تقسیم و سه بخش را به صورت تصادفی انتخاب و سپس از هر بخش تعدادی مدرسه به روش تصادفی انتخاب و از هر مدرسه تعدادی کلاس به روش تصادفی انتخاب شد.

برای انجام این پژوهش در بخش کیفی، ابتدا پژوهشگران بر اساس اسناد و مدارک رشد اخلاقی را بررسی و بر اساس آنها تعدادی سوال جهت مصاحبه با خبرگان طراحی کردند (جدول ۱). سپس، با خبرگان و متخصصان رشد اخلاقی به صورت تلفنی یا حضوری هماهنگی‌های لازم برای انجام مصاحبه (مثل زمان و مکان مصاحبه) انجام و در زمان و مکان تعیین‌شده مصاحبه‌ها به صورت انفرادی انجام و از آنها یادداشت‌برداری شد. علاوه بر یادداشت‌برداری، مصاحبه‌ها پس از هماهنگی با مصاحبه‌شوندگان ضبط تا مطلب مهمی از قلم نیفتد. در نهایت مصاحبه‌ها تحلیل و بر اساس آنها پرسشنامه‌ای طراحی شد. برای انجام پژوهش در بخش کمی، ابتدا پژوهشگر اول پس از هماهنگی با مسئولان اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، لیست اداره‌ها و مدارس مختلف را تهیه و اقدام به نمونه‌گیری کرد. سپس، به مدارس منتخب مراجعه و از معلمان دوره ابتدایی هر کلاس خواسته شد تا به پرسشنامه رشد اخلاقی درباره دانش‌آموزان پاسخ دهند. لازم به ذکر است که هم به مصاحبه‌شوندگان و هم تکمیل‌کنندگان پرسشنامه درباره رعایت نکات اخلاقی اطمینان خاطر داده شد و برای آنان هدف، اهمیت و ضرورت پژوهش بیان شد.

جدول ۱. سوال‌های مصاحبه

ردیف	سوال
۱	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش عوامل تاثیرگذار بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه می‌باشند؟
۲	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش پدیده‌های اساسی و تاثیرگذار بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه می‌باشند؟
۳	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش برای رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی به چه امکاناتی نیاز است؟
۴	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش عوامل بازدارنده بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه می‌باشند؟
۵	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش راهکارهای بهبود رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه می‌باشند؟
۶	از نظر شما در حوزه آموزش و پرورش رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی چه پیامدهایی به همراه خواهد داشت؟

داده‌ها با روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری شدند. پرسشنامه محقق‌ساخته دارای ۸۸ گویه و ۶ عامل اصلی یا مقوله بود که با استفاده از مقیاس ۱۰ درجه لیکرت از یک الی ۱۰ نمره‌گذاری می‌شود که میانگین آن ۵/۵ است. در پژوهش حاضر روایی صوری مقوله‌ها با نظر متخصصان و روایی محتوایی آنها از طریق محاسبه ضرایب میانگین واریانس استخراج‌شده برای مقوله‌های محیط زندگی و نحوه تربیت ۰/۶۷، استدلال‌های اخلاقی ۰/۶۸، فضای حمایتی ۰/۶۱، آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی ۰/۶۵، ایجاد شناخت ۰/۶۱ و فضائل اخلاقی ۰/۶۷ بدست آمدند که به دلیل بالاتر بودن از ۰/۵۰ تایید و پایایی مقوله‌ها از طریق محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ برای مقوله‌های محیط زندگی و نحوه تربیت ۰/۸۲، استدلال‌های اخلاقی ۰/۸۶، فضای حمایتی ۰/۹۱، آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی ۰/۸۸، ایجاد شناخت ۰/۹۲ و فضائل اخلاقی ۰/۹۰ بدست آمدند که به دلیل بالاتر بودن از ۰/۷۰ تایید شدند. لازم به ذکر است که پایایی کل ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ بدست آمد. همچنین، پایایی مصاحبه از طریق ضریب توافق بین دو کدگذار ۷۵/۰۱ درصد و درصد توافق درونی بین پژوهشگر و کدگذار همکار ۷۹/۵۴ درصد بدست آمد که به دلیل بالاتر بودن از ۰/۷۰ حاکی از پایایی مطلوب بودند.

داده‌های بخش کیفی با روش‌های کدگذاری باز، محوری و انتخابی و داده‌های بخش کمی با آزمون تی تک نمونه‌ای در نرم‌افزار SPSS-21 تحلیل شدند.

### یافته‌ها

در بخش کیفی ۱۲ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند و در بخش کمی ۳۷۷ نفر به پرسشنامه محقق ساخته پاسخ دادند. نتایج فراوانی و درصد اطلاعات جمعیت‌شناختی دو بخش کیفی و کمی در جدول ۲ ارائه شد.

جدول ۲. نتایج فراوانی و درصد اطلاعات جمعیت‌شناختی دو بخش کیفی و کمی

متغیرها	ابعاد	بخش کیفی	بخش کمی
		فراوانی	فراوانی
		درصد	درصد
جنسیت	زن	۳	۲۵%
	مرد	۹	۷۵%
تحصیلات	دیپلم و کاردانی	۰	۰%
	کارشناسی	۰	۰%
	کارشناسی ارشد	۷	۵۸/۳۳%
	دکتری	۵	۴۱/۶۷%
سابقه خدمت	۱-۱۰ سال	۲	۱۶/۶۷%
	۱۱-۲۰ سال	۶	۵۰%
	۲۱-۳۰ سال	۴	۳۳/۳۳%

طبق نتایج جدول ۲، در بخش کیفی بیشتر نمونه‌ها مرد (۷۵ درصد) و دارای تحصیلات کارشناسی ارشد (۵۸/۳۳ درصد) و سابقه خدمت ۱۱-۲۰ سال (۵۰ درصد) و در بخش کمی بیشتر نمونه‌ها زن (۵۸/۰۹ درصد) و دارای تحصیلات کارشناسی (۵۶/۲۳ درصد) و سابقه خدمت ۱۱-۲۰ سال (۳۹/۵۲ درصد) بودند. نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی جهت شناسایی عوامل موثر بر رشد اخلاقی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. نتایج کدگذاری باز، محوری و انتخابی جهت شناسایی عوامل موثر بر رشد اخلاقی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

مقوله‌ها (کدگذاری انتخابی)	عامل‌ها (کدگذاری محوری)	مفهوم‌ها (کدگذاری باز)
نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی	۱. لزوم خانواده برای رشد اخلاقی فرزندان، ۲. بخشندگی و مهربانی خانواده با آسیب‌دیدگان، ۳. خانواده بهترین مکان برای آموختن از راه کوشش و خطا، ۴. اختلافات شدید خانوادگی مانع ایجاد روابط سالم، ۵. مواجهه فرزندان خانواده‌های آشفته با مشکلات اخلاقی، ۶. رشد رذایل اخلاقی در خانواده‌های طلاق یا فوت‌شده و ۷. بی‌ثباتی قوانین اخلاقی در خانواده عامل کج‌رفتاری فرزندان	
محیط زندگی و نحوه تربیت	نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی	۱. راحتی معلمان در آموزش دانش‌آموزان اخلاق‌مدار، ۲. ارتباط محیط آموزشی با رشد اخلاقی دانش‌آموزان، ۳. ایجاد زمینه مساعد برای رشد اخلاقی در مدارس با جو سازمانی باز و خودگردان، ۴. نقش فعالیت‌های مشارکتی در رشد اخلاقی دانش‌آموزان و ۵. نقش نظم و انضباط مدرسه بر شکل‌گیری و ثبات اصول اخلاقی دانش‌آموزان
نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی	۱. نقش همسالان در رشد اخلاقی دانش‌آموزان و ۲. نقش و اثر تشویق همسالان و حمایت دوستان در درک غیرصحیح از رفتارهای خود	
استدلال‌های شناختی	۱. وابستگی تفاوت قضاوت‌های اخلاقی به موقعیت، ۲. تاثیر بحث گروهی بر رشد استدلال‌های اخلاقی، ۳. ارتباط تفکر و چالش با رشد اخلاقی، ۴. نقش برنامه‌های مدارس در تقویت رشد اجتماعی و اخلاقی، ۵. آموزش اولویت‌بندی اصول اخلاقی به دانش‌آموزان توسط والدین، ۶. عدم واکنش سریع و بحث درباره ارزش‌های نامناسب کودکان، ۷. تذکر به کودکان درباره آداب و رسوم و ۸. تشویق کودکان به تفکر درباره نتایج اعمال و اتخاذ تصمیم مناسب	
استدلال‌های عاطفی	۱. بیان داشتن توقع رفتار اخلاقی از کودکان، ۲. آگاهی از نقش وجدان در رشد و پرورش صفات اخلاقی، ۳. استفاده از کلمات مناسب برای گفتگو درباره ارزش‌های اخلاقی و ۴. تشویق کودکان به یافتن	

شباهت‌های خود و دیگران جهت برقراری ارتباط مناسب با دیگران، نه تمرکز بر تفاوت‌ها		
۱. آموزش قوانین اخلاقی از طریق انجام بازی‌های گروهی، نه ترس از تنبیه به خاطر آنها و ۲. احترام گذاشتن والدین به پدرها و مادرهای خود و صحبت با لحن مناسب با آنها در حضور فرزندان	استدلال‌های روانی - حرکتی	
۱. تغییر رشد اخلاقی فرزندان از طریق آموزش به والدین، ۲. آگاهی والدین از مراحل رشد هوش و اخلاق، ۳. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رشد اخلاقی و اجتماعی، ۴. ایجاد زمینه رشد اخلاقی دانش‌آموزان از طریق آموزش مهارت‌های ارتباط اجتماعی و ۵. آموزش اهمیت قوانین و بازی‌های عادلانه از طریق انجام بازی‌های گروهی با حضور والدین	برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی	
۱. ارتباط پاداش و مشوق با رشد اخلاقی، ۲. ستایش فرزندان توسط والدین هنگام انجام رفتارهای اخلاقی، ۳. تقویت و پاداش رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان توسط معلمان، ۴. واکنش مناسب والدین به رفتارهای فرزندان و ۵. توجه به احساسات کودکان توسط والدین و معلمان	استفاده از مشوق‌ها	فضای حمایتی
۱. ارتباط عوامل مذهبی و دینی با رشد اخلاقی، ۲. تاثیر معنویت و ابعاد آن بر رفتار اخلاقی، ۳. تاثیر حمایت‌گری والدین از کودکان در رشد اخلاقی آنها، ۴. تهیه و خواندن کتاب‌هایی درباره ارزش‌های اخلاقی، ۵. رفتار مودبانه مدیر و معلمان با دانش‌آموزان، ۶. آموزش یادگیری با ادب بودن به فرزندان و ۷. نقش تاکید خانواده‌ها بر ارزش‌ها، تحقق اهداف و تحصیلات روی رشد اخلاقی	توجه به مسائل معنوی	
۱. تاثیر اختلال‌های شخصیتی و روانی بر رشد اخلاقی و اجتماعی، ۲. نقش و تاثیر دانش‌آموزان دارای مشکلات اجتماعی و فرهنگی بر سایر دانش‌آموزان و ۳. نقش ضعف اعتمادبه‌نفس در گرفتاری مسائل اجتماعی و تهدید رشد اخلاقی	آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی	
۱. تاثیر مخرب رسانه‌ها بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان و ۲. تلاش برای دوری دانش‌آموزان از تماشای تصاویر خشونت‌آمیز، تحقیرآمیز و ضدهدم‌لی	آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحيح از رسانه‌ها	آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی
۱. برخورد با رفتارهای بدون احساس، ۲. نقش مسائل و مشکلات مالی خانواده بر اختلال در رشد اخلاقی و ۳. تاثیر فون منفی انضباطی بر رشد اخلاقی	آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی	
۱. عدم رشد اخلاقی به دلایل حجم بالای کار و نبود نیروی متخصص برای نظارت بر کلیه دانش‌آموزان، ۲. تهدید اصول اخلاقی بخاطر عدم توجه به زمان در تعلیم و تربیت، ۳. ناتوانی مدرسه در تحقق اهداف خود و تاثیر آن بر رشد انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و ۴. عدم توجه مدیر و معلم نسبت به تغییر رفتار دانش‌آموزان و نقش آن در بروز رفتارهای ناپه‌نجان	آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی	
۱. نقش مسئولیت دادن به افراد در رشد اخلاقی، ۲. آموزش مقابله با مشکلات و نقش آن در رشد افراد، به جای فرار از مشکلات، ۳. پذیرش مسئولیت انجام کارها و مواجهه با پیامدهای آن توسط فرزندان، ۴. عذرخواهی در صورت انجام اشتباه و ۵. آموزش جبران و اصلاح اشتباهات به فرزندان	مسئولیت‌پذیری	
۱. شناخت نقش تفکر درباره خود بر رشد اخلاقی، ۲. پاسخدهی عاطفی مناسب در موقعیت‌های مختلف، ۳. خواستن انجام رفتارهای اخلاقی از کودکان، ۴. قانون‌گذاری توسط والدین برای عدم انجام اظهارات متعصبانه و تحقیرآمیز، ۵. آموزش مقابله با بی‌انصافی و بی‌عدالتی، ۶. تاکید بر استفاده دانش‌آموزان از کلمات مودبانه مثل خواهش می‌کنم، ببخشید و غیره و ۷. ارتباط سبک‌های هویت فردی و اجتماعی با رشد اخلاقی	توانمندسازی	ایجاد شناخت
۱. نقش رسش ذهنی و تحول روابط اجتماعی بر رشد اخلاقی، ۲. نقش الگوی اخلاقی بودن معلمان و تقلید اخلاق و رفتار آنها توسط دانش‌آموزان و ۳. متعادل‌سازی رضایت از زندگی بین رویدادهای زندگی با رشد اخلاقی	الگوپذیری	
۱. احترام به خود و دیگران، ۲. احترام به دیگران بر مبنای شخصیت آنها، ۳. توجه به حقوق و احساسات دیگران و ۴. داشتن خودکنترلی در برابر دیگران توسط دانش‌آموزان و انجام رفتار مناسب	نوع دوستی	فضائل اخلاقی
۱. تقویت خویش‌داری فرزندان، ۲. تقویت مهربانی و کاستن از خودخواهی، ۳. تقویت انصاف، ۴. ایستادگی در برابر نفرت، خشونت و تعصب، ۵. رفتار همراه با فهم و مهربانی و ۶. یادگیری و توانمندسازی دانش‌آموز توسط خودش برای انجام رفتارهای مناسب	کرامت انسانی	
۱. تقویت حس قانون‌مداری و ۲. ضایع نکردن حق دیگران	قانون‌مداری	
۱. پرهیز از تصمیم‌های شتاب‌زده، ۲. ایجاد و افزایش توانایی تفکر، ۳. تصمیم‌گیری بدون تعصب و ۴. ایجاد توانایی تصمیم‌گیری اخلاقی	توان تصمیم‌گیری	

طبق نتایج جدول ۳، عوامل موثر بر رشد اخلاق در دانش‌آموزان دوره ابتدایی دارای ۸۸ مفهوم، ۲۰ عامل و ۶ مقوله بود. مقوله‌ها و عامل‌ها شامل محیط زندگی و نحوه تربیت (با سه عامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی و نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی)، استدلال‌های اخلاقی (با سه عامل استدلال‌های شناختی و استدلال‌های عاطفی و استدلال‌های روانی- حرکتی)، فضای حمایتی (با سه عامل برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها و توجه به مسائل معنوی)، آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی (با چهار عامل آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی و آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی)، ایجاد شناخت (با سه عامل مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و الگوپذیری) و فضائل اخلاقی (با چهار عامل نوع‌دوستی، کرامت انسانی، قانون‌مداری و توان تصمیم‌گیری) بودند. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای جهت تعیین وضعیت عوامل موثر بر رشد اخلاقی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی در جدول ۴ ارائه شد.

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای جهت تعیین وضعیت عوامل موثر بر رشد اخلاقی در دانش‌آموزان دوره ابتدایی

عوامل	میانگین	اختلاف میانگین با میانگین فرضی	آماره t	درجه آزادی	معناداری
نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی	۵/۹۰	۰/۴۰	۲/۸۱	۳۷۶	۰/۰۰۵
نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی	۴/۷۶	-۰/۷۴	-۴/۹۴	۳۷۶	۰/۰۰۱
نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی	۴/۶۵	-۰/۸۵	-۵/۸۱	۳۷۶	۰/۰۰۱
استدلال‌های شناختی	۴/۹۴	-۰/۵۶	-۳/۶۷	۳۷۶	۰/۰۰۱
استدلال‌های عاطفی	۶/۰۶	۰/۵۶	۳/۷۱	۳۷۶	۰/۰۰۱
استدلال‌های روانی- حرکتی	۶/۱۲	۰/۶۲	۳/۹۳	۳۷۶	۰/۰۰۱
برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی	۵/۷۹	۰/۲۹	۲/۲۵	۳۷۶	۰/۰۲۵
استفاده از مشوق‌ها	۵/۸۵	۰/۳۵	۲/۴۹	۳۷۶	۰/۰۱۳
توجه به مسائل معنوی	۵/۹۴	۰/۴۴	۳/۰۷	۳۷۶	۰/۰۰۲
آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی	۶/۰۰	۰/۵۰	۳/۶۷	۳۷۶	۰/۰۰۱
آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها	۶/۰۸	۰/۵۸	۴/۲۰	۳۷۶	۰/۰۰۱
آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی	۵/۹۹	۰/۴۹	۳/۷۲	۳۷۶	۰/۰۰۱
آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی	۴/۹۶	-۰/۵۴	-۳/۹۷	۳۷۶	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری	۶/۱۹	۰/۶۹	۴/۹۱	۳۷۶	۰/۰۰۱
توانمندسازی	۶/۰۳	۰/۵۳	۳/۷۹	۳۷۶	۰/۰۰۱
الگوپذیری	۶/۳۴	۰/۸۴	۵/۹۹	۳۷۶	۰/۰۰۱
نوع‌دوستی	۶/۳۱	۰/۸۱	۶/۱۰	۳۷۶	۰/۰۰۱
کرامت انسانی	۶/۳۳	۰/۸۲	۶/۸۶	۳۷۶	۰/۰۰۱
قانون‌مداری	۵/۹۴	۰/۴۴	۲/۹۷	۳۷۶	۰/۰۰۳
توان تصمیم‌گیری	۴/۹۰	-۰/۶۰	-۴/۱۸	۳۷۶	۰/۰۰۱

طبق نتایج جدول ۴، بین میانگین همه عوامل با میانگین جامعه تفاوت معناداری وجود داشت ( $P < 0.05$ )؛ به طوری که میانگین عوامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، استدلال‌های عاطفی، استدلال‌های روانی- حرکتی، برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها، توجه به مسائل معنوی، آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی، مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی، الگوپذیری، نوع‌دوستی، کرامت انسانی و قانون‌مداری بالاتر از میانگین جامعه و میانگین عوامل نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی، نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی، استدلال‌های شناختی، آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی و توان تصمیم‌گیری پایین‌تر از میانگین جامعه بود.

## بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نقش و اهمیت رشد اخلاقی در سایر ویژگی‌ها و رفتارها، هدف این پژوهش بررسی الگوی عوامل موثر بر رشد اخلاقی و تعیین وضعیت آنها در دانش‌آموزان دوره ابتدایی بود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که عوامل موثر بر رشد اخلاقی دارای ۸۸ مفهوم، ۲۰ عامل و ۶ مقوله بود که مقوله‌ها و عامل‌ها شامل محیط زندگی و نحوه تربیت (با سه عامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی و نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی)، استدلال‌های اخلاقی (با سه عامل استدلال‌های شناختی، استدلال‌های عاطفی و استدلال‌های روانی- حرکتی)، فضای حمایتی (با سه عامل برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها و توجه به مسائل معنوی)، آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی (با چهار عامل آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی و آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی)، ایجاد شناخت (با سه عامل مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و الگوپذیری) و فضائل اخلاقی (با چهار عامل نوع‌دوستی، کرامت انسانی، قانون‌مداری و توان تصمیم‌گیری) بودند. دیگر یافته‌ها نشان داد که بین میانگین همه عوامل با میانگین جامعه تفاوت معناداری وجود داشت؛ به طوری که میانگین عوامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، استدلال‌های عاطفی، استدلال‌های روانی- حرکتی، برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها، توجه به مسائل معنوی، آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی، مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی، الگوپذیری، نوع‌دوستی، کرامت انسانی و قانون‌مداری بالاتر از میانگین جامعه و میانگین عوامل نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی، نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی، استدلال‌های شناختی، آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی و توان تصمیم‌گیری پایین‌تر از میانگین جامعه بود. این یافته‌ها از جهاتی با یافته‌های پژوهش‌های Souza et al (2020)، Haffman (2018)، Thapa et al (2013)، Abbaszadeh et al (2020)، Firoozmehr (2020)، Bosliki (2019)، Shahgholian Ghahfarkhi et al (2019)، Asarenejad et al (2019)، Vajdani (2015) و Sheikhi (2011) همسو بود.

یکی از مقوله‌های موثر بر رشد اخلاقی محیط زندگی و نحوه تربیت با سه عامل نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی، نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی و نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی بود؛ به طوری که میانگین نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی بالاتر از میانگین جامعه و میانگین نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی، نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی پایین‌تر از میانگین جامعه قرار داشتند. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که اهمیت خانواده در این است که کودک را در شبکه‌ای از روابط عاطفی، اجتماعی، تاریخی و محیط واقعی زندگی قرار می‌دهد و برای کودک میراث فرهنگی به ارمغان می‌آورد. کودک ویژگی‌ها و خصوصیات را از والدین به ارث می‌برد و پدر و مادر با ایجاد فضایی مناسب زمینه رشد و بروز استعدادها و پیشرفت را فراهم می‌آورند. علاوه بر آن، مدرسه نیز همواره مملو از مفاهیم و امور اخلاقی بوده و از این رو تربیت اخلاقی از اساسی‌ترین هدف‌های تربیت خانوادگی و محیط آموزشی است. در تفسیر نقش محیط خانواده در رشد اخلاقی می‌توان گفت که بخشی از یادگیری‌ها و تجارب دانش‌آموزان حاصل تعامل با محیط خانوادگی است. محیط خانواده مانند دانشگاهی است که در آن درس انسانیت و اخلاق داده می‌شود و کودک از مادر درس زندگی، عشق و محبت و از پدر درس اقتدار، انضباط و موضع‌گیری در برابر مسائل مختلف را یاد می‌گیرد. درباره نقش محیط آموزشی در رشد اخلاقی چنین می‌توان استنباط کرد که گفتارها و دستورهای مسئولین مدرسه و معلمان وقتی اثربخش خواهد بود که در محیط آموزشی از زبان مثبت به جای زبان منفی استفاده شود. محیط آموزشی مثبت در مدرسه می‌تواند به طور موثری بر روابط اجتماعی و رشد اخلاقی دانش‌آموزان تاثیر بگذارد. در تفسیر نقش گروه همسالان در رشد اخلاقی می‌توان بیان نمود که کودک از طریق تعامل با همسالان به اجرتام دوسویه و کسب ظرفیت شناختی دست می‌یابد و رشد اخلاقی نتیجه تعامل‌های میان‌فردی است. فرد از طریق این تعامل‌ها راه‌حلی را تولید و کشف می‌کند که منصفانه هستند.

یکی دیگر از مقوله‌های موثر بر رشد اخلاقی استدلال‌های اخلاقی با سه عامل استدلال‌های شناختی، استدلال‌های عاطفی و استدلال‌های روانی- حرکتی بود؛ به طوری که میانگین استدلال‌های عاطفی و استدلال‌های روانی- حرکتی بالاتر از میانگین

جامعه و میانگین استدلال‌های شناختی پایین‌تر از میانگین جامعه قرار داشت. در تشریح این نتایج می‌توان گفت کودکانی که در زمینه استدلال‌های اخلاقی پیشرفته‌تر هستند معمولاً والدین و معلمانی داشتند که آنها را مورد حمایت قرار دادند. اگر استدلال و قضاوت اخلاقی با کندی رشد مواجه شود، می‌تواند نقش موثری در افزایش بی‌مسئولیتی و بزهکاری داشته باشد. پس، توجه به استدلال‌های اخلاقی پایه و اساس شکل‌گیری رشد اخلاقی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. در تفسیر استدلال‌های شناختی می‌توان گفت که کودکان و نوجوانان به تناسب مجهز شدن به ساخت‌های شناختی و بالا رفتن سن واجد ظرفیت‌های جدید در گستره قضاوت اخلاقی شده و درک اخلاقتشان از سوگیری سطحی و پیامدهای بیرونی به ارزیابی عمیق‌تر و نظام‌های قانون‌گذاری تغییر می‌یابد. البته گاهی ممکن است که فردی در اثر محدودیت‌های شناختی و با پذیرش اصول اخلاقی رایج در اجتماع خود در مراحل پایین‌تری از رشد و قضاوت اخلاقی بماند و نتواند به تعالی و تکامل ارزش‌های اخلاقی دست یابد. درباره نقش استدلال‌های عاطفی چنین می‌توان استنباط کرد روحی که به طور مناسب پرورش یافته باشد از هماهنگی و زیبایی برخوردار است و در غیر این صورت فرومایه و ناهنجار می‌شود. پس، زیبایی و فضیلت نوعی تناسب وجود دارد؛ به گونه‌ای که ریتم و هارمونی خوب، منش خوب و ریتم و هارمونی بد، منش بد تولید می‌کند. در تفسیر استدلال‌های روانی- حرکتی می‌توان بیان نمود که رشد اخلاقی دانش‌آموزان ابعاد مختلفی دارد که تمام این ابعاد می‌توانند بر میزان رشد یا اختلال تاثیر بگذارند که یکی از این ابعاد رشد روانی- حرکتی و استدلال‌هایی است که از طریق آن یادگرفته می‌شود.

یکی از مقوله‌های موثر دیگر بر رشد اخلاقی فضای حمایتی با سه عامل برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی، استفاده از مشوق‌ها و توجه به مسائل معنوی بود؛ به طوری که میانگین هر سه بالاتر از میانگین جامعه قرار داشت. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که محیط خانواده و محیط آموزشی بیشترین تاثیر را بر رشد اخلاقی دانش‌آموزان دارند و رشد اخلاقی بیشتر در خانواده‌ها و آموزشگاه‌هایی دیده می‌شود که از کودکان حمایت کنند، آنها را در بحث‌ها شرکت دهند، به دنبال کسب چشم‌اندازهای مشترک باشند و فضای امن و حمایتی مهیا سازند. در تفسیر برخورداری خانواده و مربیان از دانش علمی می‌توان گفت که توجه والدین و مربیان به مراحل تحول هوش و اخلاق در دوران کودکی و زمینه‌سازی مناسب برای پرورش توانمندی‌های شناختی و رفتاری اخلاقی آنها از مهم‌ترین رسالت‌های تربیتی و موثر در پرورش کودکان است، اما این رسالت بدون بکارگیری از دانش‌های مختلف به‌ویژه دانش ارتباط موثر به سرانجام نخواهد رسید. درباره نقش استفاده از مشوق‌ها چنین می‌توان استنباط کرد که ارزش‌های اخلاقی نیز مانند سایر رفتارها طبق اصول یادگیری و از طریق پاداش و تنبیه یا سرمشق و الگوگیری شکل می‌گیرند. پس، نحوه آموختن اخلاق مانند سایر رفتارها تابع فرایندهای یادگیری از طریق مکانیسم‌های تشویقی و تنبیهی است. در تفسیر توجه به مسائل معنوی می‌توان بیان نمود که میزان رشد اجتماعی و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان حافظ قرآن بالاتر از دانش‌آموزان عادی است و شیوه‌های جدید آموزش و پرورش قرآن‌محور و نیز رفتار و اخلاق معنوی معلمان و شیوه تدریس آنها و همچنین شرایط و حالات روحی و معنوی والدین در محیط خانواده در افزایش رشد اجتماعی و اخلاقی دانش‌آموزان نقش موثری دارد.

یکی دیگر از مقوله‌های موثر بر رشد اخلاقی آسیب‌های روانی، اجتماعی و آموزشی با چهار عامل آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها، آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی و آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی بود؛ به طوری که میانگین آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی، آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها و آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی بالاتر از میانگین جامعه و میانگین آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی در رشد اخلاقی پایین‌تر از میانگین جامعه قرار داشت. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که عوامل و موقعیت‌های مختلفی در روند رشد اخلاقی دانش‌آموزان حائز توجه و اهمیت است که عوامل آموزشی یکی از آنها است. در پرورش رشد اخلاقی دانش‌آموزان در مدارس عوامل بسیاری دخیل هستند که در رأس آنها معلم قرار دارد. زیرا دانش‌آموزان، معلمان خود را به‌عنوان الگوی رفتاری و اخلاقی انتخاب می‌کنند. در تفسیر آسیب‌های ناشی از ویژگی‌های شخصیتی و روانی می‌توان گفت که کودکان بسیاری با مشکلات مختلف دیده می‌شوند که این مشکلات گاهی نشأت‌گرفته از ویژگی‌های خودشان است. پس، اگر والدین با صبوری به کودکان فرصت اشتباه و تصمیم‌گیری مناسب دهند، آنها در آینده اعتمادبه‌نفس بیشتری خواهند داشت و بهتر تصمیم می‌گیرند. در مقابل، اگر والدین و معلمان دائم کودکان را کنترل کنند، نه تنها مشکلات شخصیتی و روانی آنها کمتر

نمی‌شود، بلکه مشکلات مذکور در آنان افزایش می‌یابد. درباره نقش آسیب‌های ناشی از استفاده غیرصحیح از رسانه‌ها چنین می‌توان استنباط کرد که اثرات تلویزیون، بازی‌های ویدیویی، اینترنت، تبلیغات و غیره بر کودکان بسیار زیاد و عمیق است. با آنکه این رسانه‌ها غالباً هدف مثبتی دارند، ولی اکثر پژوهشگران نگران اثرات منفی آنها هستند که یکی از مهم‌ترین این آثار خشونت و عدم همدلی است. در تفسیر آسیب‌های ناشی از مشکلات خانوادگی می‌توان بیان نمود که خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از عادت‌ها و خلق‌وخوی کودکان است و در تعیین سبک و خطمشی زندگی و آینده، صحت و سلامت روانی آنها نقش بزرگی را برعهده دارد. رشد اخلاقی و سلامت روانی کودک به خانواده و محیط آن بستگی دارد و در کانون خانواده‌های نابسامان کمتر محبت و گرمی دیده می‌شود. درباره نقش آسیب‌های ناشی از کارکردهای آموزشی می‌توان چنین استنباط کرد که مجموعه عواملی وجود دارند که بر روند تربیت اخلاقی تاثیر سوء می‌گذارند و سبب می‌شوند که یک فرد در مقام انسانی خود مبتلا به گسیختگی شخصیت گردد و به جای رساندن آدمی به اوج مراتب انسانی، نقش بیشتری در انحطاط اخلاقی ایفا کند که در مدرسه عواملی چون ارتباط نادرست، رفتار نادرست مدیران، معلمان و همسالان می‌تواند موجب آن شود.

یکی از مقوله‌های دیگر موثر بر رشد اخلاقی ایجاد شناخت با سه عامل مسئولیت‌پذیری، توانمندسازی و الگوپذیری بود؛ به طوری که میانگین هر سه بالاتر از میانگین جامعه قرار داشت. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که بر اساس دیدگاه‌های شناختی، فرایندهای ذهنی یا شناخت تعیین‌کننده موثر بر رشد فردی است و برای بررسی شناخت در کودکان باید به بررسی عناصر تشکیل‌دهنده آن پرداخت. منظور از شناخت صرفاً دانستن نیست، بلکه اطلاعات را درهم‌آمیزد، آنها را یکپارچه سازد، سازماندهی کند و به شکل معناداری درآورد. در تفسیر مسئولیت‌پذیری می‌توان گفت افرادی که از لحاظ رشد اخلاقی نمرات بالایی می‌گیرند، افرادی اهل تفکر و چالش هستند. چنین افرادی دارای هدف هستند، با برنامه‌ریزی عمل می‌نمایند و از مسئولیت‌پذیری بالایی برخوردار می‌باشند. احساس مسئولیت بیانگر نوعی نگرش و مهارت است که مانند هر نوع نگرش و مهارت دیگر آموختنی و اکتسابی است و معمولاً هر قدر افراد مسئولیت‌پذیرتر باشند به همان میزان از سلامت روانی و اخلاقی بیشتری برخوردار خواهند بود. درباره نقش توانمندسازی چنین می‌توان استنباط کرد که معلمان و والدین دانش‌آموزان که از افراد موثر در رشد و تربیت اخلاقی دانش‌آموزان هستند، باید با درایت و برخورداری از اطلاعات کافی در جهت رشد و توانمندی همه‌جانبه دانش‌آموزان از لحاظ‌های جسمی، روحی، روانی، شناختی، معنوی و غیره گام بردارند. در تفسیر الگوپذیری می‌توان بیان نمود که محیط خانواده نخستین منبع ارائه‌دهنده ارزش‌های اخلاقی در فرد است و والدین، معلمان و همسالان به‌عنوان الگوهای اخلاقی نقش مهمی در رشد اخلاقی کودکان دارند. کودک از طریق الگوگیری یاد می‌گیرد که چگونه رفتار کند و ضمن برخورداری از انعطاف‌پذیری، چطور با اجتماع سازگار شود و زمینه سلامت و رشد اخلاقی را در خود ایجاد نماید.

یکی دیگر از مقوله‌های موثر بر رشد اخلاقی فضائل اخلاقی با چهار عامل نوع‌دوستی، کرامت انسانی، قانون‌مداری و توان تصمیم‌گیری بود؛ به طوری که میانگین نوع‌دوستی، کرامت انسانی و قانون‌مداری بالاتر از میانگین جامعه و میانگین توان تصمیم‌گیری پایین‌تر از میانگین جامعه قرار داشت. در تشریح این نتایج می‌توان گفت که پرورش فضائل اخلاقی از طریق ویژگی‌هایی چون صداقت، امانتداری، گذشت، احترام به دیگران، صبوری، وفاداری و غیره به‌عنوان رکن اساسی رشد اخلاقی محسوب می‌شود. در تفسیر نوع‌دوستی می‌توان گفت که مرئبان دانش‌آموزان از طریق شیوه‌های مختلف از جمله یادگیری مشارکتی می‌توانند تاثیر زیادی در روابط بین‌گروهی، رشد اجتماعی، تقویت عزت‌نفس و خودباوری دانش‌آموزان، بهبود تمایل دانش‌آموزان برای حضور در مدرسه، احساس تسلط بر سرنوشت خویش، نوع‌دوستی و توجه به ارزش‌های مردم‌سالاری داشته باشند. علاوه بر آن، والدین نیز با ارائه الگوهای مناسب می‌توانند روحیه نوع‌دوستی، کمک به هم‌نوع و از خود گذشتگی را در فرزندان پرورش دهند. درباره نقش کرامت انسانی چنین می‌توان استنباط کرد که تاکید بر کرامت نفس به نحوی که کودک هر رفتار و عملی را که مقایر با رازش خود ببیند، ترک کند. در مقابله با رفتارهای ضدارزشی کودکان نیز باید از اینکه کودکان و رفتارشان را مستقیماً زیر سوال برد و توبیخ نمود، اجتناب کرد، بلکه باید با صبر و تأمل و معرفی و ارج‌گذاری رفتار درست بدون اشاره مستقیم به او فرصت داد تا فکر کند و خودش از رفتارهای جایگزین استفاده نماید. در تفسیر قانون‌مداری می‌توان بیان نمود که رعایت قانون و مقررات در خانواده تاثیر زیادی در زندگی فردی و اجتماعی کودکان از جمله پرورش حس مسئولیت‌پذیری، وظیفه‌شناسی، جلوگیری از تبلی و افزایش عزت‌نفس دارد. در صورت وجود قانون در خانواده و مدرسه دانش‌آموزان از یک الگوی

مشترک استفاده می‌کنند و به قانون احترام می‌گذارند. در تفسیر توان تصمیم‌گیری می‌توان گفت که وظیفه انتخاب ارزش‌ها و هنجارهای مناسب برای زندگی با مشکل پیچیدگی امور همراه است. یعنی از یک سو افراد به ظرفیت‌های تازه‌ای در فهم ارزش‌های اخلاقی دست می‌یابند و از سوی دیگر از تجربه کافی برای برخورد صحیح با مسائل پیچیده ارزشی و اخلاقی که در زندگی پیش می‌آید، برخوردار نیستند. با این حال، آنان باید هر روز و هر لحظه تصمیمی بگیرند و از بین راه‌حل‌های مختلف راه حل مناسب‌تری را انتخاب و بر اساس آن عمل نمایند. پس، توان تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب راه حل مناسب از بین راه‌حل‌های موجودی یکی از عواملی است که می‌تواند از طریق آموزش در خانواده و مدرسه زمینه‌سازی رشد اخلاقی شود.

مهم‌ترین محدودیت این پژوهش شامل طولانی‌شدن مدت پژوهش به دلیل داشتن دو بخش کیفی و کمی بود که خود بخش کیفی نیز به دلیل انجام مصاحبه‌های انفرادی نیاز به زمان و هزینه زیادی داشت. محدودیت دیگر پراکندگی جامعه پژوهش در بخش کمی و همکاری پایین برخی نمونه‌های بخش کیفی و کمی بود. دلیل همکاری پایین غالباً عدم تاثیر نتایج بر روی وضعیت جامعه ذکر شد که در این پژوهش تلاش شد تا با بیان اهداف، اهمیت و ضرورت پژوهش و ارائه نتایج به نمونه‌ها و سازمان آموزش و پرورش جهت بهره‌برداری، انگیزه نمونه‌های پژوهش را برای شرکت فعال در پژوهش تقویت کرد. مهم‌ترین پیشنهادها پژوهش شامل انجام پژوهش‌های بیشتر درباره رشد اخلاقی و طراحی برنامه‌هایی بر اساس نتایج پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌ها و تعیین اثربخشی آن در ارتقای رشد اخلاقی می‌باشد. با توجه به تفاوت در مباحث اخلاقی از لحاظ سنی و جنسیتی، پیشنهاد می‌شود که این پژوهش بر روی دانش‌آموزان دوره اول و دوم متوسطه و به تفکیک جنسیت انجام و نتایج آنها با نتایج پژوهش حاضر مقایسه شود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، برنامه‌ریزی برای بهبود رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی ضروری است. بنابراین، پیشنهادها می‌شود که متخصصان و برنامه‌ریزان حوزه تعلیم و تربیت از نتایج این پژوهش بهره‌برداری کنند و بر اساس آنها برنامه‌هایی جهت بهبود رشد اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی طراحی و با کمک متخصصان و خبرگان اقدام به آموزش و اجرای آن کنند.

## References

- Abbaszadeh A, Ranjdoost Sh, Azimi M. (2020). Explaining the components of moral development for junior high school students in the framework of the philosophy of Islamic education. *Journal of Research in Islamic Education*, 28 (47): 157-141.
- Asarnejad S, Firoozian E, Ghaneh A.A. (2019). Extracting and prioritizing the effective components on reducing the publication of criminal content of public morality in Telegram. *Journal of Media Studies*, 13: 126-107.
- Boardley ID, Smith AL, Mills J, Grix J, Wynne C, Wilkins L. (2018). Development of moral disengagement and self-regulatory efficacy assessments relevant to doping in sport and exercise. *Psychology of Sport and Exercise*, 36: 57-70.
- Bosliki H. (2019). Factors of children's moral development in the parent-child relationship from the perspective of moral psychology. *Research Ethics Quarterly*, 2 (4): 135-113.
- Dahl A. (2019). The science of early moral development: On defining, constructing, and studying morality from birth. *Advances in Child Development and Behavior*, 56: 1-35.
- Firoozmehr M. (2020). Factors affecting moral growth with a Quranic perspective. *Quarterly Journal of Quranic and Hadith Studies*, 2 (2): 33-8.
- Garrigan B, Adlam ALR, Langdon PE. (2018). Moral decision-making and moral development: Toward an integrative framework. *Developmental Review*, 49: 80-100.
- Haffman M. (2018). Moral internalization: Current theory and research. *Advances in Experimental Social Psychology*, 10: 85-133.
- Kalantri Qazvini Sh, Qorichian N, Arasteh H, Mohammad Davoodi A. (2017). Identify the dimensions and components of student ethics. *Journal of Culture at Islamic University*, 7 (2): 264-241.
- Krettenauer T. (2017). Pro-environmental behavior and adolescent moral development. *Research on Adolescence*, 27(3): 581-593.
- Nieuwazny J, Nowakowski K, Ptaszynski M, Masui F, Rzepka R, Araki K. (2021). Does change in ethical education influence core moral values? Towards history- and culture-aware morality model with application in automatic moral reasoning. *Cognitive Systems Research*, 66: 89-99.
- Perales A. (2019). Ethical training as a support for the moral development of students in health sciences programs: towards a teaching focused on the needs of the student as a person. *Revista Peruana de Medicina Experimental y Salud Publica*, 36(1): 100-105.
- Place KR. (2019). Moral dilemmas, trials, and gray areas: Exploring on-the-job moral development of public relations professionals. *Public Relations Review*: 45(1): 24-34.
- Roche C, Thoma S. (2017). Insights from the defining issues test on moral reasoning competencies development in community pharmacists. *American Journal of Pharmaceutical Education*, 81(8): 5913.
- Shahgholian Ghahfarkhi R, Rumi I, Salmani A, Alvandi M. (2019). Determining the effective factors on promoting the role of religious education and ethics of instructors in a military university. *Journal of Research in Islamic Education*, 27 (45): 121-93.
- Sheikhi M. (2011). Factors affecting the health of the administrative system and the growth of moral values in it. *Journal of Islam and Management Research*, 1 (2): 126-99.
- Souza AD, Kotian SR, Pandey AK, Rao P, Kalthur SG. (2020). Cadaver as a first teacher: A module to learn the ethics and values of cadaveric dissection. *Journal of Taibah University Medical Sciences*, 15(2): 94-101.
- Thapa A, Cohen J, Guffey S, Higgins-D'Alessandro A. (2013). A review of school climate research. *Review of Educational Research*, 83(3): 357-385.
- Vojdani F. (2015). Components, dimensions and degrees of moral change in the Holy Quran. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Education*, 10 (20): 176-155.
- Zhiyenbayeva NB, Abdrakhmanova RB, Abdrakhmanova AE, Tapalova OB, Samal K, Elmira U. (2014). Experimental study of students' spiritual-moral development. *Procedia- social and Behavioral Sciences*, 131: 465-469.

## Pattern of Effective Factors on Ethical Growth and Determine Their Status in Elementary Period Students

Zahra Amini<sup>1</sup>  
Fariba Hanifi<sup>2\*</sup>

### Abstract

**Purpose:** The aim of this research was investigate the pattern of effective factors on ethical growth and determine their status in elementary period students.

**Methodology:** This study in terms of purpose was applied and in terms of implementation method was mixed (qualitative and quantitative). The study population in the qualitative section was ethical growth experts who according to the principle of theoretical saturation number of 12 people of them were selected by purposive and snowball sampling methods. The study population in the quantitative section was an elementary period students of Tehran city in the academic years of 2019-2020 who according to Cochran's formula number of 377 people of them were selected by multi-stage cluster sampling method. Data were collected by semi-structured interview and researcher-made questionnaire methods and analyzed by open, axial and selective coding and one-sample t-test methods in SPSS-21 software.

**Findings:** The findings of the qualitative section showed that the effective factors on ethical growth had 88 concepts, 20 factors and 6 categories which categories and factors were included of living environment and upbringing (with three factors of role of family environment in ethical growth, role of educational environment in ethical growth and role of peer group in ethical growth), ethical reasoning (with three factors of cognitive reasoning, emotional reasoning and psycho-motor reasoning), supportive environment (with three factors of family and educators have scientific knowledge, use of incentives and attention to spiritual issues), psychological, social and educational injuries (with four factors of injuries due to personality and mental characteristics, injuries due to improper use of media, injuries due of family problems and injuries due of educational functions), create of cognition (with three factors of responsibility, empowerment and modeling) and ethical virtues (with four factors of altruism, human dignity, rule of law and decision-making power). The findings of the quantitative section showed that there were a significant difference between the mean of all factors with the mean of society ( $P < 0.05$ ).

**Conclusion:** According to the results of the present study, planning is necessary to improve the ethical growth of students. Therefore, specialists and planners in the field of education can design and implement programs according to the categories and factors of this research to improve the ethical growth of elementary period students.

**Keywords:** Ethical growth, students, altruism

---

1. PhD student, Department of Educational Management, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. zahraamini1320@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Educational Management, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran. (Corresponding Author) f.hanifi95@gmail.com